

دیدگاه‌های آیت الله شاهرودی در مورد مسئله‌ی زندان‌ها

گفتار اول

کلیات

بنده از ابتدای تصدی این مسئولیت، دغدغه‌های خاصی نسبت به وضع زندان و زندانیان داشتم، شاید اولین بخشنامه‌ای که بنده برای قضات و مسئولان سازمان‌های وابسته مخصوصاً سازمان زندان‌ها فرستادم، در مورد زندان و زندانیان بوده است، از اول تصدی تا کنون بیش از بیست و پنج بخشنامه در خصوص مسایل زندان و زندانیان و صدور حکم زندان و بازداشت موقت صادر شده است. برخی از این بخشنامه‌ها مربوط به قضات و محاکم و صدور حکم زندان یا قرار بازداشت و قرار تأمین است و برخی دیگر مربوط به سازمان زندان‌ها است، در مورد کیفیت برخورد با کسانی که برای بار اول مرتکب جرم شده‌اند و نیز کیفیت برخورد با اصناف مختلف از قبیل جوانان و زنان و یا مربوط به مدیریت داخل زندان است. [۱]

توسعه زندان و زندان سازی درست نیست

توسعه زندان و زندان سازی درست نیست، هدف عکس این است، مطلوب آن است که ما اصلاً در جامعه زندانی نداشته باشیم. زندان که چیز مطلوبی مثل مدرسه نیست که بگوییم هر چه مدارس زیادتر بشود، بهتر است. کثرت زندان و زندانیان دلیل رشد فرهنگی و سلامت جامعه نیست، برعکس دلیل بر آن است که در آن جامعه، بزه و جرم زیاد است. [۲]

در طول تاریخ گرایش زندان و زندان انداختن همیشه یک روش و رویه برای طاغوتیان بوده است

در ده سال حاکمیت پیامبر اسلام در مدینه، ما اصلاً زندان نداشتیم، قطعاً مردم همه که ملائکه نبودند، آنجا نیز از این جرایم زیاد انجام می‌شد، همچنین چهار سال خلافت امیرالمؤمنین (ع) باز هم در تاریخ منعکس نیست که یک زندان عریض و طویلی در حکومت بوده باشد. گستردگی زندان‌ها از زمان حکومت بنی امیه و بنی عباس شروع شد و مطالعه تاریخ اسلام خود این دو رکن را روشن می‌کند که چگونه در طول



تحلیل می‌کند بر کسی پوشیده نیست. سیاست‌های کیفری اسلام و مجازات‌های اسلامی اگر درست اجرا شود بیشترین تأثیر را در بازدارندگی و پیشگیری از انتشار جرم و افزایش مجرمین دارد، ضمن این که این همه زندانی و زندان نیز نخواهیم داشت. مفاسد عدیده زندان و آثار زیانبار اخلاقی و اجتماعی آن و هزینه گزافی که بر بیت‌المال تحمیل می‌کند، بر کسی پوشیده نیست. [۱۰] ما در قوانین جزایی و مدنی خود خیلی چیزها را ممنوع و جرم کرده‌ایم و برایش جزا تعیین کردیم و مجازات‌ها هم غالباً زندان است. هر دستگاهی که خواسته کاری را ممنوع کند، آن را به عنوان جرم به تصویب رسانده و مجازات آن هم زندان تعیین شده است. [۱۱]

مجازات‌ی مثل زندان که هزینه‌های بسیاری بر جامعه تحمیل می‌کند و مفاسد فراوانی هم برای جامعه دارد ضد حقوق بشر است.

سارق که در زندان بماند، زندان به شکل یک کارگاه آموزشی سرقت در خواهد آمد، هر غیر سارقی هم به آنجا برود سارق می‌شود و بیرون می‌آید. آیا این مراعات حقوق بشر است؟ این یک بحث لفظی است که می‌گویند مجازات بدنی و شلاق و... قرون وسطایی است. شما که دنبال حقوق بشر هستید حقوق واقعی بشر را حفظ کنید، شکل آن موضوعیت ندارد، آنچه که موضوعیت دارد حفظ جامعه است. حفظ بشر است؛ اصلاح مجرم و خانواده اوست. کیان جامعه و کرامت انسان‌ها با مجازات‌های اسلامی حفظ می‌شود و بدون آن سلامت جامعه آسیب می‌بیند و مجرم بیشتر می‌شود. مجازاتی مثل زندان که هزینه‌های بسیاری بر جامعه تحمیل می‌کند و مفاسد فراوانی هم برای جامعه دارد، ضد حقوق بشر است. [۱۲]

زندان ضربه به روح زندانی و خانواده اوست و این خود خلاف حقوق بشر است

ترجیح مجازات‌های بدنی از نظر حقوق بشری قابل اثبات است، خیلی بهتر از مجازات زندان است که امروز در دنیا معمول است. چون زندان ضربه به روح زندانی و خانواده اوست و این خود خلاف حقوق بشر

... [زندان در اسلام] مبتنی بر دیدگاهی است که با وضع فعلی فرق می‌کند.

عنوانی که امروز به نام زندان وجود دارد، در اسلام منظور نیست؛ بلکه زندان جایی است که شخص زندانی در آن تغییر کرده و اصلاح می‌شود، زندان به منزله یک مکان تربیتی مورد نظر اسلام بوده است و از آدابی که برای زندان و زندانی در قوانین اسلام وجود دارد؛ روشن می‌شود که به زندان و زندانی با دید دیگری نگاه می‌شود. [۷]

نگرش اسلام به زندان و زندانی به استثنای بعضی از جرایم که خیلی نادرند و معمولاً در متن اسلام برای آن‌ها حکم زندان مقرر نشده، بلکه مجازات‌های خیلی سخت و سریعی در نظر گرفته شده است. نگاه تربیتی و مراقبتی است. زندان در اسلام یک کانون تربیت و مراقبت است؛ نه زندان به معنای متعارف آن. این سیاست کلان و کلی اسلام است و مبتنی بر دیدگاهی است که با وضع فعلی فرق می‌کند. [۸]

این چه کیفری است کیفر بزهکار است یا کیفر بی‌گناهان؟

این افراد به چه جرمی کیفر می‌بینند؟ یکی از مهمترین اصولی که در سیاست‌های کیفری اسلام لحاظ شده، عدم اضرار و تسری کیفر به غیر فرد بزهکار است. این اصل بیشتر به بحث زندان ارتباط دارد. در خیلی از موارد، اثر و فشاری که زندان بر غیر فرد بزهکار مخصوصاً بر فرزندان و همسر و پدر و مادر او دارد، پیش از اثری است که بر خود بزهکار دارد. گاهی خود بزهکار، خوش و راحت در زندان می‌گذراند - مخصوصاً اگر وضع زندان‌ها هم خوب باشد - و خانواده او بیرون از زندان در فشار و عذاب بسر می‌برند.

این چه کیفری است، کیفر بزهکار است یا کیفر بی‌گناهان؟ این افراد به چه جرمی کیفر می‌بینند؟ یکی از فلسفه‌های اینکه اسلام زندان را کیفر قرار نداده، همین است. اسلام مجازات را - اعدام یا شلاق یا محرومیت - بر شخص بزهکار قرار داده است و به دیگران تسری پیدا نمی‌کند. [۹]

گفتار دوم

مشکلات و پیامدهای صدور احکام زندان

مفاسد عدیده زندان و آثار زیانبار اخلاقی و اجتماعی آن و هزینه گزافی که بر بیت‌المال

تاریخ گرایش زندان و زندان انداختن همیشه یک روش و رویه برای طاغوتیان بوده است. اساساً استفاده از کیفر زندان ریشه در منش و سیره طواغیت دارد نه سیره اسلام ناب یا اسلام نزدیک به اسلام ناب. [۳]

سیاست ما تقلیل موارد زندان و زندانیان است

البته سیاست کلی ما توسعه زندان‌ها نیست، بلکه سیاست ما تقلیل موارد زندان و زندانیان است و ان‌شاءالله به تدریج روزی را ببینیم که زندان کم داشته باشیم. کاهش زندان‌ها و تعداد زندانیان در حقیقت دلالت بر این دارد که مجرم در جامعه کم است. امیدواریم جامعه ما به سویی برود که بزه در آن کم باشد. [۴] در بخشنامه‌ای به تمام قضات گفتم که قاضی جایی که می‌تواند زندان ندهد حق ندارد زندان بدهد فقط جایی که الزام قانونی دارد زندان بدهد.

اگر قانون مخیرش کرده که زندان بدهد یا جرمه نقدی یا مجازات دیگری، حق ندارد زندان بدهد. با اینکه از نظر قضایی حق دارد و این دستور یک نوع دخالت در امور قضایی‌اش است، ولی ما از ایشان خواهش کردیم که در این شرایط به جز موارد خاص که قانون الزام کرده بقیه را حکم زندان ندهد. [۵]

تمام مجازات‌های اسلامی ما از نظر حقوق بشری قابل دفاع است

چند ضربه شلاق وحشیگری است، اما تمام جامعه را به آلودگی و فساد کشیدن، حفظ حقوق بشر است؟ این که با حقوق بشر منافات دارد و هیچ فلسفه و خردی آن را قبول نمی‌کند، کدام منطق و عقلی قبول می‌کند که ما چند ضربه شلاق را چون به ظاهر خشن است؛ نزنیم، اما بپذیریم که همه جامعه آلوده شود؟ تمام مجازات‌های اسلامی ما از نظر حقوق بشری قابل دفاع است، ولی متأسفانه به جای این که در پی دفاع از آن باشیم، همواره انفعالی عمل می‌کنیم و تا یک انتقادی مطرح شود؛ مجازات‌ها را تغییر می‌دهیم، تعزیرات را بر می‌داریم و جای آن زندان می‌گذاریم... [۶].

زندان در اسلام یک کانون تربیت و مراقبت است

است. زندان هم زیان‌های اخلاقی و روانی و مفاسد اجتماعی در پی دارد و هم برای دولت و جامعه پر هزینه است، فلسفه مجازات‌های بدنی در حقیقت این بوده که کسی را زندانی نکنند، متأسفانه امروز اکثراً حکم به زندان می‌کنند. کسی باید فلسفه مجازات‌های بدنی را تدوین کند و با آنچه امروز در جهان به عنوان مجازات عمل می‌شود، مقایسه کند. می‌گویند مجازات بدنی شکنجه است، این طوری نیست. باید دید، سرانجام این فردی که به زندان رفته چه می‌شود، خانواده او به کجا کشیده خواهد شد؛ جامعه چقدر برای او هزینه پرداخت کرده، چند نفر از خانواده این شخص ضد دین و ضد نظام شدند؟

بدترین هزینه، هزینه تحقیر خود این شخص (زندانی) است

بدترین هزینه، هزینه تحقیر خود این شخص است، و هنوز مشخص نیست شاید بیگناه باشد و هنوز فقط احتمال جرم است. این تحقیر بزرگترین ضربه است، بعد هم می‌گویم که این آقا ضد انقلاب هم نشود. چطور نشود، شما خودتان با یک تحقیر کمتر از این، آسمان را به زمین می‌دوزید، اگر نسبت به شما بشود، توی مجلس اگر احترامات نکنند، قهر می‌کنید. زندانی را لباس زندان به او بپوشانید، دستبند هم به او بزنید، با یک سرباز وظیفه هم می‌بریدش جلوی مردم، این ضربه هزینه سنگینی است. کدام عقلی و منطقی این هزینه را بی خودی پرداخت می‌کند. [۱۳]

بازداشت موقت علاوه بر این پیامدهای زیانبار حالتی از رانت برای قوه قضائیه ایجاد می‌کند

محکومان را در خانه خود هم می‌توان حبس کرد. سازمان زندان‌ها فکری کند که زندان از این حالت بیرون بیاید. این زندان‌های ساخته شده با قفل و زنجیر، برای شرورها و اشخاص فاسدی است که در بیرون از زندان برای امنیت و سلامت جامعه مضر و خطرناکند، اما بازداشتی‌ها چرا به این جا بروند؟ [۱۴]

بازداشت موقت علاوه بر این پیامدهای زیانبار، حالتی از رانت برای دستگاه قضایی ایجاد می‌کند که در هر جا قاضی از کسی

خوشش نیامد یا هر جا متهم اعتراضی به قاضی کرد، قرار بازداشت را طوری می‌نویسد که مجبور شود زندان برود. زندانبان هم همیطور، می‌بینید که فرد بازداشتی در اختیار اوست، به هزار شکل می‌تواند از او سوء استفاده کند. بازداشت موقت مایه چنین فسادها و رانت‌هایی هم هست. [۱۵]

زندانی کردن با جان و مال ناموس و همه این‌ها بازی می‌کند و آثار بسیار بدی را دارد

در این بحث زندان‌ها هم، مدیران زندان به نظر من خیلی مسئولیت دارند و آخرت خیلی سختی دارند، این آقایان از حالا بدانند، بالاخره گفتیم، آخرت بسیار سختی دامن گیر مسئولان زندان و قضات است در این



زندانی‌هایی که می‌دهند، شوخی نیست بازی کردن با زندگی مردم، چون زندان رفتن، یعنی بازی کردن با زندگی مردم، زن و بچه، همگی رنج می‌برند. ضربه هم بیشتر به آن‌ها می‌خورد تا کسی که می‌رود زندان. زندانی کردن با جان و مال و ناموس و همه این‌ها بازی می‌کند و آثار بسیار بدی را دارد. [۱۶]

قاضی می‌داند که ما زندان آماده برای اصلاح و تربیت نداریم، اگر نمی‌داند باید برود نگاه کند و از قاضی ناظر زندان بپرسد که در زندان‌ها چه می‌گذرد... [۱۷]

مجرمین مواد مخدر (جرائم گوناگونی را در داخل زندان ایجاد کرده‌اند

[مجرمین مواد مخدر] از زندان هم جدا شوند و به زندان نفرستند که باعث آلودگی زندان‌های دیگر شود که واقعاً چیز بسیار بدی است. ما آماری که از کل کشور داشتیم از مجموع ۱۶۰ تا ۱۷۰ هزار زندانی، حدود ۵۲ یا ۵۳ هزار زندانی مواد مخدر است که ۲۵ یا ۲۶ هزار مورد آن اعتیاد است و بقیه قاچاق، این‌ها هم زندان را آلوده کرده‌اند و مرض‌های گوناگونی را آورده‌اند و هم سبب اعتیاد دیگران در زندان شده‌اند. حتی سبب آلوده شدن مأموران زندان، نقل و انتقال مواد از بیرون به داخل زندان نیز شده‌اند و جرایم گوناگونی را در داخل زندان ایجاد کرده‌اند؛ سبب نقل و انتقال مواد از بیرون به داخل زندان با قیمت‌های زیادی که سودی هم برای آن‌ها دارد. جرایم گوناگون را در داخل زندان ایجاد کرده‌اند. بایستی واقعا این جنبه‌ها دیده شود و آن خط کلی این است که بایستی این جرم هزینه دار باشد، برای این مجرم. [۱۸]

آیا اصلاً در توان دستگاه قضایی و سازمان زندان‌ها و یا به مصلحت جامعه هست که این همه زندان و زندانی داشته باشد؟

هر وزارتخانه یا سازمانی برای هر مسأله‌ای که تشخیص دادند خلاف مصلحت آن دستگاه یا مردم و کشور است، ممنوعیت ایجاد کرده‌اند و مرتکب آن را مجرم دانسته و مجازات آن را سه ماه یا یک سال و ده سال زندان قرار داده‌اند. این‌گونه لویج با تصویب مجلس به عنوان قانون درآمده و دستگاه قضایی باید آن را اجرا کند. اجرای این همه کیفر زندان که در مجموعه قوانین ما وجود دارد قهراً بر دوش محاکم قضایی و در نهایت سازمان زندان‌هاست. هیچ جا توجه نشده که اولاً آیا تنها راه اعمال این ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها همین است که به عنوان جرم شناخته شوند، یا اینکه ممکن است کاری ممنوع باشد ولی جرم نباشد؟

ثانیاً، آیا مجازاتش منحصراً بایستی زندان باشد یا مجازات‌های جایگزین دیگری هم هست که کم هزینه‌تر و مؤثرتر و مفیدتر باشد؟ ثالثاً، آیا مقدار این مجازات با عمل ارتكابی و با مجازات‌هایی که برای جرایم سنگین‌تری تعیین شده، تناسب دارد؟

رابعاً، آیا اصلاً در توان دستگاه قضایی و سازمان زندان‌ها و یا به مصلحت جامعه هست

اینگونه کیفرها (کیفر زندان به شکل
کنونی) خلاف مصلحت نظام و مصلحت
جامعه اسلامی است

می‌دانید زندان چقدر تولید جرم می‌کند؟ یک نفر فاسد، مثلاً قاچاقچی زندانی می‌شود، با این کار، اعضای خانواده‌اش ضد نظام می‌شوند، بچه‌های این شخص مثل خودش پی قاچاق می‌روند. گاهی پدر و مادر خانواده هر دو زندانی هستند، در این سفری که مشهود رفته بودیم در بازدید از زندان‌ها اکثر زنان زندانی می‌گفتند شوهرشان هم زندان است. بچه‌های این‌ها چه می‌شوند؟ طبیعی است که آن‌ها هم مجرم و جانی و ضد انقلاب و نظام شوند.

این قبیل کیفرها چه فلسفه‌ای دارد. متکی به کدام سیاست کیفری است؟ این گونه کیفرها خلاف مصلحت نظام و مصلحت جامعه اسلامی است. پس باید اول ابعاد مختلف یک قانون و پیامدهای آن بررسی شود، بعد این همه مجازات زندان برآشند. بحث قضا و تنظیم لوائح قضایی بازیچه نیست که هر کسی لایحه قضایی بنویسد: تهیه لوائح قضایی، علم می‌خواهد، نیاز به فضل فقهی و حقوقی و فهم اجتماعی و درک مقاصد و اغراض کلی شرع دارد. [۲۶]

مجازات زندان با این وضعی که فعلاً در
کشور وجود دارد، نه با مبانی شریعت اسلام
تطبیق دارد و نه به مصلحت جامعه است

از دیگر سیاست‌های کیفری مهمی که دنبال می‌کنیم سیاست مجازات‌های جایگزین زندان است. مجازات زندان با این وضعی که فعلاً در کشور وجود دارد، نه با مبانی شریعت اسلام تطبیق دارد و نه به مصلحت جامعه است؛ فقط کپی نظام کیفری برخی از کشورهای خارجی است.

سازمان زندان‌ها یکی از سازمان‌های وابسته به قوه قضائیه است، ما درباره این سازمان نیز طرحی در دست داریم که زندان را از شکل زندان درآوریم و به کانون‌های تربیتی تبدیل کنیم. [۲۷]

در اسلام هر انسانی گر چه جرم کرده
و زندانی باشد، شأن و کرامت انسانی او
محفوظ است

حکم زندان در اسلام به این معنا نیست که شخص زندانی در مقام و جایگاه انسانی خود ساقط شده باشد، بلکه انسانی است که گناهی کرده و بزه‌ای انجام داده است و گاهی ممکن است کار او گناه هم نباشد، بعضی از جرایمی که در قوانین ما مجازات زندان برای آن مقرر کرده‌اند از نظر فقهی گناه نیست، مانند خیلی از کسانی که به سبب مدیونیت‌های مالی فعلاً در زندان‌اند و تعدادشان هم کم نیست؛ پس زندانیان یا کسانی هستند که اصلاً مرتکب جرم شرعی نشده‌اند، یا کسانی‌اند که گناهی کرده‌اند و مرتکب بزه‌ای شده‌اند که در اسلام یا قوانین ما مجازات زندان دارد، ارتکاب جرم و گناه به معنای آن نیست که این شخص، انسان و بنده خدا نیست، در اسلام هر انسانی گر چه جرم کرده و زندانی باشد؛ شأن و کرامت انسانی او محفوظ است. [۲۴]

دیدگاه اسلام به زندان دیدگاه تربیتی
است نه انتقام جویی

این تشکیلات ویژه، نسبت به وضع درون زندان و کیفیت مدیریت زندان‌ها، لازم است این نکات مهم را بررسی و دنبال کند:

۱- وضع زندان‌ها و زندانیان از نظر ظرفیت، بهداشت، طبقه‌بندی شدن زندان، اشتغال و تربیت زندانیان، با توجه به این که دیدگاه اسلام به زندان دیدگاه تربیتی است نه انتقام جویی ...

۲- رسیدگی به وضع قضایی پرونده‌های زندانیان و نظارت بر قاضیان زندان که آیا کارشان را خوب انجام می‌دهند یا نه؟

۳- ضابطه‌مند کردن عفو: عفو باید براساس ملاک باشند نه اسم اشخاص، چون در عفوهای اسمی واسطه بازی زیاد می‌شود... در مورد شخصیت زندانیان تفحص بشود تا افراد شرور و بد سابقه مورد عفو قرار نگیرند. دیه محکومان بی بضاعت از بیت‌المال پرداخت شود. [۲۵]

که این همه زندان و زندانی داشته باشد؟ [۱۹]

نباید هر کس وارد زندان شد بگوییم
سارق شرور، فلان است و هر چه بتوانیم
او را تحقیر کنیم

ما از یک طرف حدود خودمان را اجرا نمی‌کنیم و می‌گوییم خشن است و فلان است. از یک طرف یک کاری می‌کنیم که صد برابر از آن خشونت بدتر می‌باشد، به عنوان زندان حالا یا هر چیزی، اصلاً نایب می‌کند شخصیت یک شخصی را اجرای احکام باید ساماندهی بشود، از لحاظ سرتراشی‌ها، لباس‌های مخصوص، ما نباید هر کس وارد زندان شد بگوییم یک سارق شرور، فلان است و هر چه بتوانیم او را تحقیر کنیم، زندانبان‌ها چگونه این‌ها را وارد کنند، تحقیر کنند، کی این‌ها از اسلام بوده است، تمام این رفتارها باید عوض بشود و بازنگری شوند تا دستگاه قضایی اسلامی و قابل اعتماد مردم داشته باشیم. [۲۰]

اساساً در باب کیفر و مجازات در اسلام
مبنا و فلسفه انتقام جویی، حرمت شکنی
و شکستن انسان‌ها نیست

دیدگاه کلی اسلام در مورد زندانیان این است که به هیچ وجه نباید با روح انتقام گیری و تحقیر و شکستن روحیه با آن‌ها برخورد شود. [۲۱]

حقوق شهروندی زندانی‌ها، کرامتشان، حقوق خانواده‌شان، این‌ها نباید فدا بشوند که می‌خواهیم مجازات زندان را اجرا کنیم، قوانین هم باید در این بخش تعدیل شود. [۲۲]

اساساً در باب کیفر و مجازات در اسلام مبنا و فلسفه انتقام جویی، حرمت شکنی و شکستن انسان‌ها نیست بلکه بر عکس حرمت بخشیدن و اصلاح و ارتقاء و رفع مشکل آن انسان گرفتار و جامعه هست این سیاست واقعا می‌بایستی هم در تدوین قوانین، سیاست‌های کیفری قوانین مجازات اسلامی دیده شود، هم در ساختارها و تشکیلات و تشریفات و آیین داری قضایی دیده شود. [۲۳]

هر دستگاهی خواسته کار خود را حل کند یک عنوان مجرمیت داده و بعد هم برایش مجازات تعیین کرده و به مجلس رسانده و اجرا آن هم گردن دستگاه قضایی افتاده است

در اسلام و در دنیا ممنوعیت‌های دیگری هم هست که جرم نیست، به اصطلاح احکام سیاسات و تخلفات انتظامی است. عناوین مختلفی مربوط به نظم عمومی است که خود دستگاه‌های اجرایی به آن رسیدگی می‌کنند عین قوانین راهنمایی و رانندگی یا تخلفات اداری. این گونه نیست که این تخلفات بیاید در دادگستری و پرونده قضایی بشود. ما همه را در قوانین بر روی دستگاه قضایی انباشته کرده‌ایم و هر دستگاهی خواسته کار خود را حل کند یک عنوان مجرمیت داده و بعد هم برایش مجازات تعیین کرده [و به] مجلس رسانده و اجرای آن هم گردن دستگاه قضایی افتاده است. [۲۸]

نظام بانکداری ما از زیر بار وظائف خود شانه خالی کرده و مسئولیت را به گردن قوه قضائیه انداخته است

می‌دانیم که چک ابزاری معمول جهت سهولت در امر مبادلات و معاملات است و در همه دنیا از این وسیله استفاده می‌شود، بدون اینکه مشکلات قضایی پیش بیاید. اما در کشور ما، قانون چک وضع را طوری کرده که منافع چک به جیب حساب‌های جاری بانک‌ها می‌رود و ضرر و زیانش گریبان قوه قضائیه را می‌گیرد.

امروزه استفاده از چک در دنیا بسیار متداول است، به خصوص در اروپا و آمریکا که مبادله ابتدا با پول انجام نمی‌گیرد، حتی مبادلات کوچک، در عین حال، مشکلی به نام مشکل چک وجود ندارد و اصولاً تعداد زندانیان چک بسیار کم است و شاید هیچ زندانی تحت این عنوان یافت نشود. در واقع، بانک در این مورد مسئول است و به تخلفات رسیدگی می‌کند، اما نظام بانکداری ما از زیر بار وظائف خود شانه خالی کرده و مسئولیت را به گردن قوه قضائیه انداخته است. [۲۹]

در سال حدود هزاران نفر به سبب چک به زندان می‌رود که بعضی بازداشت موقت بوده و آزاد می‌شود و بعضی هم

محکوم می‌شوند و می‌مانند این واقعاً برای یک کشور فاجعه است

طبق آمار رییس زندان‌ها که دیروز داده ۲۴ هزار زندانی داریم که من حاضرم پشت سر بعضی از این‌ها نماز بخوانم، اینقدر این‌ها محترم هستند، یا چک است یا مدیونیت مالی یا دیه است و تصادفات است که افتاده‌اند در زندان‌ها، خیلی چیز بدی است این جا مدیریت لازم است چه در سطح کلان چه در سطح مجتمع‌های قضایی این‌ها همه قابل حل است که اگر حل بشود ما خیلی از مشکلات را می‌توانیم کاهش بدهیم. [۳۰]

به نظر من دادن مجازات زندان جداً اشکال شرعی دارد.

پرهیز از زندان دادن‌ها و قرارهای سنگین، این مسأله‌ای است که ما هم در بخشنامه‌ها گفتیم، در دیدارهای قضات عزیز سفارش کردیم... ببینید خیلی از مجازات‌ها، اختیاری است، یعنی قاضی ملزم است به زندان، یا شلاق یا جریمه نقدی.

ولی این واقعاً درست نیست دادن زندان در جایی که قاضی اختیار دارد مجازات جایگزین را بگذارد، خیلی از موارد این گونه است... در هر مجازات زندان، قاضی می‌تواند به اتکا ماده ۲۲ اگر می‌بیند واقعاً ورود این فرد به زندان یک مفسده بیشتری دارد، مخصوصاً اگر این یک جوان باشد مخصوصاً زن باشد، آن هم جرایم بی خودی و حوادث، تصادف ماشین و غیره به زندان می‌فرستند که قاضی باید سعی کند به زندان نفرستد... به نظر من اکثر یا کل این موارد به استثنای آن شرورها، مشمول ماده ۲۲ هستند... اگر عزیزان مطلع بشوند که چه می‌گذرد در داخل زندان‌ها و چه آثار سویی برای خانواده آن‌ها دارد در خارج از زندان، جدا اشکال شرعی دارد به نظر من دادن مجازات زندان. [۳۱]

آقایان قضات که دست به قلم هستند و زندان بده هستند مسئول هستند

آقایان قضات که دست به قلم هستند و زندان بده هستند، مسئول هستند، وضع فعلی زندان وضعی نیست که انسان کسی را به راحتی بتواند به زندان بفرستد، حبسی که

امروز وجود دارد با آنچه در قوانین است فرق می‌کند. وقتی دارید این را می‌فرستید زندان، انواع فسادها را باز می‌کنیم در خود شخص و خانواده آن شخص و مشکلات عدیده اجتماعی را ایجاد می‌کنیم. فلسفه زندان، درست عکس آن هدف در روح قانون است.

... دیه در شرع این نیست که کسی که دیه بر ذمه‌اش است و نتواند بپردازد، ببردش زندان

خیلی کار پر ثوابی است که شما انعام می‌دهید انسان حس می‌کند که مبارزه با معلول است و نه با علت. آنچه که خیلی بیشتر می‌تواند این مشکل را حل کند این است که مثلاً دنبال علت‌ها بیفتد و علت‌ها را بیا رفع کند و یا کم کند. به نظر من دو نوع علت هست، یک نوع علت‌های قانونی است که همین علت‌ها است که ایشان فرمودند مسایل اقتصادی و مسأله اشتغال و یا بعضی مسایل فرهنگی دیگر که واقعاً باعث می‌شود جرایم زیاد بشود و زندان‌ها پر بشود. علت قانونی‌اش هم نوع مقررات ما است که متأسفانه در رابطه با مدیونیت داریم، که رابطه با چک داریم. این مقررات معنای فقهی هم ندارد، مقرراتی که مجلس وضع کرده و به عنوان مصلحت لایحه‌اش را داده است، و الا من باب دیه در شرع این نیست که کسی که دیه بر ذمه‌اش [است و] نتواند بپردازد، ببردش زندان. [۳۳]

مسأله‌ای که باید مورد توجه قرار بگیرد توجه به خانواده زندانیان است

این ستاد گر چه اسم و نام ستاد دیه دارد به نظر من یک مقداری می‌شود این را توسعه داد، شرح این وظایف و کارهای این ستاد را که البته نیاز به یک کارشناسی دارد و نیاز به طرح و برنامه دارد و فقط به فکر آزاد کردن زندانی نباشد، راه آزاد کردن افرادی که مستحق آزادی هستند، فقط با دیه نیست و راه قانونی با ماده واحده هم دارد و مسأله‌ای که باید مورد توجه قرار بگیرد توجه به خانواده زندانیان است. از بدی‌های مجازات زندان، مجازات فرد بزه کار نیست بلکه بیشتر مجازات خانواده وابسته زندانی، همسر و فرزندان و عواقب آن است. یکی از عواقب

قوه قضاییه و بعضاً در قوه مقننه برای نظارت بر اینکه در این بازداشتگاه‌ها و زندان و فضاها تخلفی صورت نگیرد، شکل گرفته و کلیه بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها تحت نظارت و مدیریت مستقیم سازمان زندان‌ها قرار گرفته است. [۳۷]

احکام بسیاری در لابلای فقه وجود دارد که اگر به کار گرفته شود و بر اساس آن‌ها قوانین مناسب وضع شود، وضع زندان‌های ما تغییر خواهد کرد

در اسلام که سلول انفرادی وجود ندارد، در اسلام حبس و زندان هم محدود است، و هم شکلش هم اینطوری نیست که باید باشد، شکلش اینطور تعریف شده که ضربه‌اش به جامعه نخورد، در جایی باشد که جامعه در امان باشد، مانند سارق حرفه‌ای که تکرار به سرقت کرده است. [۳۸]

احکام بسیاری در لابلای فقه وجود دارد که اگر به کار گرفته شود و بر اساس آن‌ها قوانین مناسب وضع شود، وضع زندان‌های ما تغییر خواهد کرد. تعبیر اسلام حبس است نه زندان، حبس یک محدوده بازتر از زندان است که در آن، شخص محبوس منزل و کار خود را دارد و خود و خانواده‌اش از حقوق و آداب خاصی برخوردار است، به عبارت دیگر محیط نگهداری محبوس تبدیل به یک کانون مراقبت می‌شود. [۳۹]

در اسلام فقط سه یا شش جرم وجود دارد که مجازات زندان برای آن تعیین شده است. [۴۰]

کار اساسی همان لغو قانون زندان برای چک و کلا مدیونیت‌های مالی است که واقعاً هم خلاف شرع است

در تهران در حدود دو تا سه هزار نفر از محکومین امور مالی و چک را توانسته‌ایم که با مرخصی‌های یک یا دو ماه یا سه ماه بیرون بیاوریم. در آماري که به ما داده‌اند، در حدود ۸۰ درصد این‌ها رضایت شاکي‌شان را تحصیل کردند و اصلاً زندانشان تمام شده است. ما برای خاطر ۲۰ درصد داریم ۸۰ درصد را فدای این ۲۰ درصد می‌کنیم. آخر این خلاف عدل و منطقی و همه چیز هست. البته کار اساسی همان لغو قانون زندان برای چک و کلا مدیونیت‌های مالی است که واقعاً

محکمه ثابت شود که این معسر است، باید آزادش کرد.

این هم فتوا است و هم قانون، خوب چرا به این عمل نمی‌شود؟ چرا آن قاضی ناظر دنبال این نمی‌افتد که ببیند که چه کسی معسر است یا مدیون مالی؟ چرا دستگاه قضایی یا دستگاه زندان این اثبات اعسار معسر را به دوش نمی‌کشد و به عهده نمی‌گیرد؟ چه طور شد به زندان انداختن به عهده‌اش است، ولی بیرون آوردن او به عهده‌اش نیست؟ چون هزینه‌هایی که پرداخت می‌کند، کمتر است و مشکلات خودش کم می‌شود. [۳۵]

گفتار چهارم:

راهکارهای کاهش جمعیت کیفری در سیاست‌های کیفری ما

زندان به عنوان یک مجازات مطرح نیست

در سیاست‌های کیفری ما، زندان به عنوان یک مجازات مطرح نیست. در برخی از جرایم بسیار محدود برای جلوگیری از ضرر و زیانی که ممکن است از ناحیه مجرم خاصی به جامعه برسد از حکم زندان استفاده شده است، آن هم به عنوان حبس که معنی اوسعی از زندان با وضع امروزی آن [تفاوت] دارد. بعضی از مجرمین را که صدور جرم مدیونیت‌های مالی، عنوان بازداشت موقت هم آمده است، اگر مدیون، قدرت پرداخت داشته باشد ولی دین خود را پرداخت نکند، در فقه آمده است «یحسب» که البته این حکم حبس هم میان فقها مورد تأمل است [۳۶].

به استثنای جرایمی که واقعاً سزاوار است برای آن زندان تعیین شود، مابقی حذف شده و مجازات‌های دیگری جایگزین آن شود

البته ما باز معتقدیم که موارد کیفری زندان طبق نظرات فقهی کمتر شود و به سمت مجازات‌های جایگزین برویم، به جز در موارد بسیار محدودی که در قضای اسلامی و سیاست‌های کیفری اسلام، زندان دیده شده است که زندان را حتی در آن حد که در دنیای پیشرفته امروز هست، نداشته باشیم. امروز سازمان‌های نظارتی متعددی در درون

همین است که بیشتر اثر زندان برای خانواده زندانیان است. به نظر من یکی از کارهای بسیار اساسی که در فقه هم آمده است است که مجازات باید به اندازه جرم باشد، اگر هوا گرم بود یا سرد بود و یا مریض بود نمی‌شود حد را جاری نمود، اعمال کیفری که موجب ضرر و زیان به خانواده مجرم باشد، حکومت ضامن است که از بیت‌المال جبران نماید. [۳۴]

چرا آن قاضی دنبال این نمی‌افتد که ببیند که چه کسی معسر است؟

مثل مسأله اعسار که اصلاً مورد توجه قرار نگرفته، در قانون اعسار آمده که کسی که مدیون است، اگر ادعای اعسار کند و برای



راهکار مرخصی دادن به زندانیان مالی از جهات متعددی بسیار مؤثر است، زندان‌ها را خلوت می‌کند

مرخصی‌هایی که ما در این بخشنامه اخیر به رؤسای دادگستری‌ها ابلاغ کردیم، اگر درست اجرا شود برخی مشکلات را حل خواهد کرد. آقایان قضات و مسئولین زندان‌ها با تنگ نظری به این مسأله نگاه نکنند و آن را درست اجرا کنند. راهکار مرخصی دادن به زندانیان مالی از جهات متعددی بسیار مؤثر است. زندان‌ها را خلوت می‌کند، به خانواده‌های این زندانیان کمک شایانی خواهد شد، شاکیان نیز از این طریق می‌توانند به مطالبات خود برسند. [۴۲]

باید دادن زندان محدود شود و شروط برایش گذاشته شود

ما در قوانین به قاضی نباید اجازه بدهیم که یک قوم و عائله‌ای در عذاب بمانند برای آنکه یک نفر جرمی جزئی کرده و در فلان قانون برایش زندان آمده، به همه آن‌ها ظلم شود برای چیز کوچکی که بسیار جزئی است، برای مثلاً یک چکی که پرداخت نشده ما یک قوم و عشیره‌ای را بیچاره کنیم، آیا واقعاً این مطابق عقل و منطق و شرع است، باید دادن زندان محدود شود و شرط و شروط برایش گذاشته شود، اگر بخواهد زندان بدهد باید ببیند اگر این شرایط هست دیگر زندان ندهد، قانون نباید به او اجازه زندان بدهد، اول قانون را باید اصلاح کرد، بعد هم خود قاضی باید عقل و اختیاری که به او داده شده و در ماده ۲۲ به او اختیار داده شده، و این‌ها را نگاه کند. قاضی، روز قیامت مسئول است. [۴۳]

اطاله دادرسی در سیاست‌های کیفری اسلام وجود ندارد، مجرم باید سریع مجازات شود

تشریفاتی که در بعضی از مجازات‌های اسلامی آمده، پیام دارد. وقتی گفته شده مستحب است تا مقتول دفن نشده، قاتل را قصاص کنید، این یک پیام دارد؛ یعنی اطاله دادرسی در سیاست‌های کیفری اسلامی

وجود ندارد، مجرم باید سریع مجازات شود. در محاکم ما، گاهی هفت سال طول می‌کشد تا قاتلی قصاص شود، حکم را هم در گوشه‌ای مخفیانه اجرا می‌کنند؛ این حکم دیگر چه اثری دارد، کجا آن برکات و آثار اجتماعی و امنیت بخش قضاوت اسلامی و مجازات‌های اسلامی را خواهد داشت؟ با این قوانینی که ما داریم کیفرها تمام آثار و فلسفه دنیوی خود را از دست می‌دهند، کار عریض و طویلی برای دستگاه قضایی و سازمان زندان‌ها و هزینه‌های فوق‌العاده‌ای برای حاکمیت اسلامی ایجاد می‌کنیم. آن وقت آثار و برکات اجتماعی کیفری که حاصل نمی‌شود هیچ، گاهی نتیجه عکس هم می‌دهد. چون سیاست کیفری فعلی غلط است. [۴۴]

زندان فقط باید به شخص مجرم توجه کند

چقدر این زندان مؤثر بوده است و چقدر هزینه داشته است، چقدر اثر بر خانواده‌های این‌ها داشته است، ما یک نفر را گرفتیم و زندانی کردیم ممکن است پنج تا پسر و چهار تا برادر داشته باشد، همه این‌ها را ممکن است در گرفتن یک شخص شما مبدل کردید به آدم‌های شرور یا بدبین به نظام، عقده‌ای، ضد نظام و بر علیه نظام. [۴۵]

وقتی ما کسی را زندان می‌کنیم نه تنها به خودش ضربه می‌زنیم به تمام خانواده او آسیب می‌رسد. آن آسیبی که به آن‌ها (خانواده) می‌رسد، شاید بیش از آسیبی باشد که به خودش می‌رسد، آن‌ها که بی گناه هستند، گفتیم که زندان فقط باید به شخص مجرم توجه کند، این یکی از سیاست‌هاست، اینکه ببینیم در فقه اسلام شلاق و مجازات‌های اینچنینی یا مجازات‌های مالی مثل دیه قرار داده شده، تعزیرات مالی یا مجازات‌های جایگزین دیگر مثل تشهیر که یکی از مجازات‌هایی است که ما به آن کم توجه کردیم. [۴۶]

تا جایی که می‌توانید حکم زندان ندهید

ما این نکته را به قضات گفته‌ایم برای اینکه دست به زندانشان زیاد باز نباشد، مناسب است در دوره کارآموزی قضایی، چند شبی در زندان‌ها بروند و در آنجا باشند و ببینند که چه خبر است و وضع زندان‌ها چگونه

است. [۴۷]

تا جایی که می‌توانید حکم زندان ندهید، راه‌های زیادی دارد که خیلی‌هاش مربوط به تشخیص قاضی است. که وحی منزل نیست، اصلاً سیاست‌های کیفری ما همان تعزیرات و قصاص و حدود است، زندان در موارد خیلی محدودی است. این‌ها فقط به جهت مصالح اجتماعی قانون شده و فعلاً مصلحت اجتماعی خلاف این است، چرا این کار را می‌کنید؟ نباید اگر علیه کسی شکایت شد، فوراً قرار وثیقه صادر کرد و اگر نداشت او را به زندان فرستاد، این کار حرمت انسان‌ها را از بین می‌برد. بسیاری از قضات متأسفانه با نگاه خشک حقوقی این کار را انجام می‌دهند، هر اختیاری که دارد اعمال کند. [۴۸]

در بسیاری موارد (قاضی) می‌تواند حکم زندان صادر نکند، شرعاً هم همین است

کسی که هنوز محکوم نشده فقط متهم است. خوب این اگر فردا تبرئه شد، این ۵ ماه یا ۴ ماه را که رفته بازداشت چه کسی مسئول این است؟ چون این تبرئه شد و خود همین قاضی تبرئه‌اش کرد. خوب این ۲ ماه رفت زندان، خوب زندان هم شکننده است از هر جهت شکننده است. [۴۹]

مدیران و قضات عزیز این مسائل اجتماعی را در نظر بگیرند در زندان‌ها چه می‌گذرد؟ خانواده آن کسی که به زندان می‌فرستند تحت عنوان محکوم، بازداشت یا قرار وثیقه، چه می‌شود؟ اثرات این حکم را ببینند. قاضی خیلی اختیار دارد، در بسیاری موارد می‌تواند حکم زندان صادر نکند. شرعاً هم همین است. روز قیامت از قانون نمی‌پرسند، اول از شرع می‌پرسند، نفوذ قانون یک عنوان ثانوی است. من این را بارها عرض کرده‌ام و حالا هم عرض می‌کنم، در فقه ما آمده است در ارتکاب قتل عمد که بدترین جرم است، متهم بیش از شش روز بازداشت نمی‌شود.

و اگر قانونی هم قاضی را الزام کرده (مجازات زندان بدهد) پیشنهاد اصلاح قانون را بدهید

آقای قاضی مؤمن به فقه اسلام شما چگونه از این واهمه ندارید و در مورد یک جرم جزئی متهم را شش ماه بازداشت می‌کنید و گاهی

۱۹- دیدار مدیران و رؤسای زندان‌های سراسر کشور ۸۱/۱۱/۱۰ سخنرانی در جمع رؤسای کل دادگستری‌های کل کشور ۸۰/۳/۲۳
۲۰- سخنرانی در جمع رؤسای کل دادگستری‌های کل کشور ۸۰/۳/۲۳
۲۱- همان.

۲۲- سخنرانی در جلسه رؤسای زندان‌های سراسر کشور ۸۳/۸/۵

۲۳- دیدار از زندان اوین ۸۳/۱/۱۹

۲۴- سخنرانی در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی استان اصفهان ۷۹/۸/۲۹

۲۵- همان.

۲۶- دیدار با معاونان و رؤسای مجتمع‌های قضایی استان تهران ۷۹/۶/۲۰

۲۷- دیدار با کمیساریای عالی حقوق بشر ۷۹/۱۲/۱

۲۸- جلسه شورای توسعه قضایی ۸۱/۳/۱

۲۹- سخنرانی در جمع قضات استان تهران ۷۸/۸/۶

۳۰- سخنرانی در جمع رییس دادگستری تهران و... ۸۱/۶/۱۴

۳۱- در دادگستری جدید کرج ۸۰/۱۲/۸

۳۲- سخنرانی در همایش قضات دادگستری استان تهران ۸۱/۲/۱۲

۳۳- دیدار با استاد دبه سازمان زندان‌ها ۸۰/۳/۳۰
۳۴- همان.

۳۵- تجلیل از استادان و پژوهشگران همکار با سازمان زندانها ۸۰/۲/۹

۳۶- سخنرانی در همایش جایگزین حبس ۸۱/۲/۱۸

۳۷- دیدار با کمیسر روابط خارجی کمیسیون اروپا ۸۱/۱۱/۱۴

۳۸- سخنرانی در جلسه رؤسای زندان‌های سراسر کشور ۸۳/۹/۵

۳۹- دیدار با نمایندگان یونسف ۷۹/۷/۱۲

۴۰- دیدار با اعضای ستاد حقوق بشر ۷۹/۶/۲۶

۴۱- دیدار با مجمع نمایندگان استان سمنان ۸۱/۷/۱۰

۴۲- دیدار با مدیران و رؤسای زندان‌های سراسر کشور ۸۱/۱۱/۱۰

۴۳- جلسه رؤسای زندان‌های سراسر کشور ۸۳/۹/۵

۴۴- دیدار با رییس کل دادگستری و... ۷۹/۶/۲۰

۴۵- تجلیل از استادان و پژوهشگران همکار با سازمان زندانها ۸۰/۲/۹

۴۶- سخنرانی در جلسه رؤسای زندان‌های سراسر کشور ۸۳/۹/۵

۴۷- همایش جایگزین حبس ۸۱/۲/۱۸

۴۸- سخنرانی در جمع رییس کل دادگستری و... ۸۱/۶/۱۲

۴۹- همان.

۵۰- سخنرانی در دادگستری استان خراسان ۸۱/۲/۲۲

۵۱- همان.

۵۲- همایش جایگزین حبس ۸۱/۲/۱۸

۵۳- دیدار با مدیران و رؤسای زندان‌ها ۸۱/۱۱/۱۰

۵۴- جلسه مسئولان اجرایی قوه قضائیه ۷۸/۱۱/۲۸

یکی دیگر از امور بسیار مهمی که باید آن را احیا کرد، این است که اصلاح برخی از مجرمین را به عهده بخش خصوصی بگذاریم. این کار در دنیای امروز تحت عنوان کانون‌های مراقبتی و تربیتی انجام می‌گیرد و این کانون‌ها جایگزین زندان‌ها می‌شوند. [۵۳]

زندان باید آخرین «دوا» باشد

باید توجه داشته باشند، چه آقایان قضات محترم و چه مسئولان زندان، زندانی بشر است، با یک انسان روبرو هستیم نه با سنگ و چوب، باید رفتار ما با زندانی در چارچوب اخلاق اسلامی و ارزش‌های انسانی باشد، بشر بی‌تردید خطاکار است و هر خطایی جزایی دارد، اگر کسی خطاکار است ما نباید در پی اجرای اشد مجازات باشیم که زندان است و اگر لازم باشد، زندانبانان باید برخورد انسانی داشته باشند. امروزه زندان و زندانی کردن امری رایج و عادی شده است. در حالی که گفته‌اند: زندان باید آخرین دوا باشد. قطعاً برخی جرم‌هایی که مجازات زندان برای آن‌ها داده می‌شود نه با منطق بشریت سازگار است و نه با فقه اسلامی، زندان‌ها تنها فشار به شخص مجرم نمی‌باشد، فشار بر کل جامعه و خانواده اوست. [۵۴]

پی‌نوشت‌ها

- ۱- دیدار با مدیران و رؤسای سازمان زندان‌های سراسر کشور ۸۱/۱۱/۱۰
- ۲- سخنرانی در همایش جایگزین حبس ۸۱/۲/۱۸
- ۳- جلسه رؤسای زندان‌های سراسر کشور ۸۳/۹/۵
- ۴- مصاحبه مطبوعاتی در پایان سفر به اصفهان ۷۹/۹/۱
- ۵- دیدار با مجمع نمایندگان آذربایجان غربی ۸۱/۸/۷
- ۶- دیدار با اعضای ستاد حقوق بشر ۷۹/۶/۲۶
- ۷- دیدار با نماینده یونسف ۷۹/۷/۱۲
- ۸- مصاحبه مطبوعاتی در پایان سفر به اصفهان ۷۹/۹/۱
- ۹- سخنرانی در همایش جایگزین حبس ۸۱/۲/۱۸
- ۱۰- دیدار با مدیران و رؤسای زندان‌های سراسر کشور ۸۱/۱۱/۱۰
- ۱۱- جلسه شورای توسعه قضایی ۸۱/۳/۱
- ۱۲- دیدار با اعضای ستاد حقوق بشر ۷۹/۶/۲۶
- ۱۳- دیدار با استادان و پژوهشگران همکار با سازمان زندانها ۸۰/۲/۹
- ۱۴- سخنرانی در همایش جایگزین حبس ۸۴/۲/۱۸
- ۱۵- سخنرانی در همایش جایگزین حبس ۸۱/۲/۱۸
- ۱۶- جلسه شورای رؤسای کل دادگستری کشور ۸۱/۲/۵
- ۱۷- در جمع رییس کل دادگستری تهران و... ۸۱/۶/۱۲
- ۱۸- دیدار با فرمانده و مسئولان مبارزه با مواد

قاضی ناظر زندان هم سرش شلوغ است و متهم بلا تکلیف در زندان می‌ماند. پیامبر اکرم (ص) قبول نکرد که متهم به قتل عمد بیش از شش روز بازداشت شود، در حالی که شما به راحتی در جرایمی که از لحاظ شرعی اصلاً جرم نیست و جرم حکومتی است، حکم بازداشت می‌دهید. مدیران و قضات باید تدبیر داشته باشند و این مسایل را ببینند و از اختیارات خودشان استفاده کنند و اگر قانونی هم قاضی را الزام کرده، پیشنهاد اصلاح قانون را بدهید. آن چه فسادآور است، اصل رفتن به زندان است. [۵۰]

در کل سال، ۸۰۰ هزار نفر ورودی زندان داریم، از اینها یک پنجم محکوم‌اند و بقیه همگی قرار بازداشت یا وثیقه و یا کفالت‌اند. [۵۱]

مقررات آیین دادرسی و اختیارات قضات در صدور حکم زندان هم باید بازنگری شود

دستگاه قضایی به کمک دستگاه‌های دیگر مخصوصاً مجلس، باید مشکلات حقوقی و قوانینی را که منجر به کثرت زندانی شده است، علاج کنند. همچنین مقررات آیین دادرسی و اختیارات قضات در صدور حکم زندان هم باید بازنگری شود و قضات و مدیران قضایی توجیه شوند که از این اختیارات استفاده نکنند. مجازات‌های جایگزین به صورت قانونی درآمده و به دستگاه قضایی اعلام شوند تا قضات اعمال کنند.

در مرحله بعد، سازمان زندان‌ها تدابیر علمی و تکنیکی را می‌تواند دنبال کند که بحمدالله... دنبال می‌کند. [۵۲]

اصلاح برخی از مجرمین را به عهده بخش خصوصی بگذاریم

چگونه باید مجرم را اصلاح کرد؟ بحث‌هایی که در فقه اسلام در مورد اصلاح مجرم از قبیل عفو و توبه آمده بسیار زیاد است، ولی متأسفانه نه در قوانین و نه در بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها به آن توجه نشده است، که اگر به این مباحث توجه شود و تدوین شده و به اجرا در بیاید، ما به زندان‌های خیلی کمی نیاز خواهیم داشت، آن هم فقط برای تعداد کمی از مجرمان اصلاح ناپذیری که اگر بیرون باشند به سلامت و امنیت جامعه آسیب می‌رسانند.